



معرفت فلسفی در اسلام و غرب با تکیه بر آراء هیوم و شهید مطهری

تدوین به شیوه گردآوری
دکتر سیدجواد میرمهدی پور کوه کمر



سرشناسه	میرمهدی پور کوه کمر، سیدجواد، ۱۳۶۲-
عنوان و نام پدیدآور	معرفت فلسفی در اسلام و غرب با تکیه بر آراء هیوم و شهید مطهری / تدوین به شیوه گردآوری سیدجواد میرمهدی پور کوه کمر؛ ویراستار ادبی فاطمه مدرس؛ ویراستار علمی ابوالقاسم ولی زاده.
مشخصات نشر	ارومیه: انتشارات دانشگاه ارومیه، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری	ی، ۲۰۳ ص
فروست	انتشارات دانشگاه ارومیه؛ ۳۱۷.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۱-۱۱-۴
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
موضوع	شناخت (فلسفه) Knowledge, Theory of
موضوع	هیوم، دیوید، ۱۷۱۱ - ۱۷۷۶ م. -- دیدگاه درباره شناخت (فلسفه)
موضوع	Hume, David, 1711 - 1776 -- Views on knowledge, Theory of
موضوع	مطهری، مرتضی، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۸ -- دیدگاه درباره شناخت (فلسفه اسلامی)
موضوع	Motahari, Mortaza, 1921 - 1979 -- Views on the (theory of knowledge (Islam
موضوع	شناخت (فلسفه اسلامی) (Knowledge, Theory of (Islam
شناسه افزوده	ولی زاده، ابوالقاسم، ۱۳۵۴-، ویراستار
شناسه افزوده	انتشارات دانشگاه ارومیه
رده بندی کنگره	BD۱۶۸
رده بندی دیویی	۱۲۱
شماره کتابشناسی ملی	۹۰۲۳۱۴۲

مرکز انتشارات دانشگاه ارومیه

ارومیه، کیلومتر ۱۱ جاده سرو، تلفن: ۳۱۹۴۲۲۷۴-۳۲۷۷۹۹۳۰-۰۴۴، دورنگار ۳۲۷۷۹۹۳۰-۰۴۴

عنوان: معرفت فلسفی در اسلام و غرب با تکیه بر آراء هیوم و شهید مطهری

تدوین به شیوه گردآوری: دکتر سیدجواد میرمهدی پور کوه کمر

ناشر: انتشارات دانشگاه ارومیه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طاهانگار

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۴۰۲

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

قیمت پشت جلد: ۱۶۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۱-۱۱-۴

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ط.....	پیشگفتار
فصل اول: کلیات ۱	
۳.....	لغت فلسفه
۳.....	تعریف اصطلاحی فلسفه
۴.....	معانی اصطلاحی فلسفه
۴.....	فلسفه علمی
۴.....	فلسفه‌های مضاف
۶.....	ضرورت نیاز به فلسفه
۶.....	کمک‌های فلسفه به علم
۷.....	کمک‌های علوم به فلسفه
فصل دوم: معرفت فلسفی در غرب ۹	
۱۱.....	مقدمه
بخش اول: مکاتب فلسفی در غرب	
۱۱.....	فلسفه یونان باستان
۱۱.....	تأثیر دانشمندان ایران بر تفکرات فلسفی یونان باستان
۱۳.....	سوفیسم
فلسفه قرون وسطی	
۱۴.....	عصرنوزایی و روشنگری
۱۸.....	فلسفه مدرن
۱۹.....	پدیدارشناسی
۲۰.....	فمینیسم
۲۱.....	فمینیسم لیبرال
۲۱.....	فمینیسم مارکسیستی
۲۱.....	فمینیسم رادیکال
۲۱.....	سوسیال فمینیسم

۲۲	فمینیسم پست مدرن
۲۲	فمینیسم اسلامی
۲۲	ماتریالیسم
۲۶	ایدئالیسم
۲۷	رنالیسم
۲۸	پوزیتویسم
۳۲	اگزیستانسیالیسم
۳۳	پراگماتیسم
۳۵	اومانیزم
۳۷	فلسفه پست مدرنیسم
۳۸	اصول تفکر پست مدرنیسم
۴۰	بخش دوم: معرفت فلسفی در بین فلاسفه غرب
۴۰	فلاسفه غرب باستان (از سده ۶ قبل از میلاد تا قرن ۴ میلادی)
۴۰	فیثاغورس (۵۷۸-۵۱۰ ق م)
۴۰	ذیمقراطیس (۴۶۰-۳۷۰ ق م)
۴۱	پروتاگوراس (۴۸۵-۴۱۰ ق م)
۴۲	گرگیاس (۴۸۳-۳۷۵ ق م)
۴۲	سپتی سیست
۴۲	سقراط
۴۳	افلاطون
۴۴	ارسطو
۴۵	فلوطين
۴۶	فلاسفه قرون وسطی (از قرن ۵ تا قرن ۱۵)
۴۶	آگوستین
۴۷	دو دیدگاه در رابطه عقل و ایمان از دیدگاه آگوستین
۴۷	توماس آکویناس
۴۸	فلاسفه دوره مدرن (از قرن ۱۵ تا ۱۹)
۴۸	فرانسیس بیکن (۱۶۲۶-۱۵۶۱)

۴۹.....	توماس هابز (۱۵۸۸م).....
۵۰.....	رنه دکارت (۱۵۹۶م).....
۵۲.....	جان لاک (۱۶۳۳م).....
۵۳.....	باروخ اسپینوزا (۱۶۳۲م).....
۵۴.....	گوتفريد ويلهلم لايبنيٲس (۱۶۴۶-۱۷۱۶).....
۵۵.....	جرج برکلی (۱۶۸۵م).....
۵۶.....	ديويد هيوم (۱۷۱۱م).....
۵۸.....	معرفت فلسفی هيوم.....
۶۰.....	تأثيرات هيوم بر مکاتب فلسفی جديد.....
۶۱.....	الف) اومانيسم (انسان مداری).....
۶۲.....	ب) رمانتيسم (احساس گرایی).....
۶۲.....	ج) پراگماتيسم (اصالت عقل).....
۶۳.....	د) پست مدرنيسم (فرانوگرایی).....
۶۴.....	ايمانوئل کانت (۱۷۲۴م).....
۶۷.....	گئورگ ويلهلم فريدریش هگل (۱۷۷۰م).....
۶۸.....	معرفت فلسفی هگلی.....
۶۹.....	آرتور شوپنهاور (۱۷۸۸م).....
۷۱.....	اگوست کنت (۱۷۹۸م).....
۷۱.....	سورن کيرکگارد (۱۸۱۳م).....
۷۳.....	ويليام جيمز (۱۸۴۲-۱۹۱۰م).....
۷۴.....	فردريش نيچه (۱۸۴۴م).....
۷۶.....	گوتلوب فرگه (۱۸۴۸-۱۹۲۵م).....
۷۶.....	ادموند هوسرل (۱۸۵۹م).....
۷۷.....	ماکس وبر (۱۸۶۴).....
۷۸.....	برتراند راسل (۱۸۷۲م).....
۸۰.....	معرفت فلسفی راسل.....
۸۱.....	مارتين هايديگر (۱۸۸۹م).....
۸۳.....	ويتگنشتاين (۱۸۸۹-۱۹۵۱م).....

۸۵	معرفت فلسفی ویتگنشتاین
۸۶	رودلف کارناپ (۱۸۹۱ م)
۸۷	هانس ژرژ گادامر (۱۹۰۰ م)
۸۸	کارل پوپر (۱۹۰۲ - ۱۹۹۴ م)
۹۰	ژان پل سارتر (۱۹۰۵ م)
۹۱	آورام نوآم چامسکی (۱۹۲۸ م)
۹۲	معرفت فلسفی چامسکی
۹۳	یورگن هابرماس (۱۹۲۹ م)
۹۴	چارلز تیلور (۱۹۳۱ م)

فصل سوم: معرفت فلسفی در اسلام ۹۷

۹۹	شناخت شناسی
۱۰۲	نیاز فلسفه به شناخت شناسی
۱۰۳	هستی شناسی
۱۰۳	غنی و فقر (واجب و ممکن)
۱۰۴	وجود و ماهیت (هستی و چیستی)
۱۰۴	جوهر و عرض
۱۰۵	مجرد و مادی
۱۰۵	زمان و مکان
۱۰۵	انسان شناسی
۱۰۷	برهان بر مجرد نفس
۱۰۸	خدا شناسی (اثبات واجب الوجود)
۱۰۹	برهان صدیقین (برهان هستی شناسانه)
۱۱۱	برهان وجوب و امکان
۱۱۲	برهان نظم
۱۱۲	برهان فطرت
۱۱۳	برهان حرکت
۱۱۴	برهان علیت
۱۱۵	برهان شرط بندی پاسکال

۱۱۹	بخش اول: مکاتب فلسفی در اسلام
۱۱۹	مکتب مشاء
۱۲۱	اصول مهم فلسفه مشاء
۱۲۱	وجود و ماهیت
۱۲۱	عقول ده گانه
۱۲۲	تقسیم موجودات به واجب و ممکن
۱۲۲	جوهر و عرض
۱۲۳	مسئله حرکت
۱۲۴	علم خدا
۱۲۵	روحانیه الحدوث و البقاء بودن نفس
۱۲۵	انتقاد از فلسفه مشاء
۱۲۶	تالیفات حکمت مشاء
۱۲۷	نوآوری‌های ابن سینا در منطق
۱۲۷	نوآوری‌های ابن سینا در فلسفه مشاء
۱۳۰	مکتب اشراق
۱۳۳	انتقاد از فلسفه اشراق
۱۳۴	نوآوری‌های فلسفه اشراق
۱۳۵	مکتب حکمت متعالیه
۱۳۵	انتقاد از حکمت صدرایی
۱۳۶	نوآوری‌های حکمت متعالیه
۱۳۷	پیروان و مبلغین مکتب صدرایی
۱۳۸	منابع نظام حکمت معالیه
۱۳۸	بخش دوم: معرفت فلسفی فلاسفه مسلمان
۱۳۸	فارابی (۲۵۹ه ق)
۱۳۹	آثار فارابی
۱۴۰	فلسفه فارابی
۱۴۱	فارابی و موسیقی
۱۴۱	ابوعلی سینا

غزالی	۱۴۷
ابن رشد	۱۵۰
سهروردی (۵۴۹ق)	۱۵۶
صدرالمتألهین (۹۷۹ق)	۱۵۸
علامه طباطبایی (۱۲۸۱ش)	۱۶۳
شهید مرتضی مطهری	۱۶۶
ویژگی‌ها و نوآوری‌های فلسفی شهید مطهری	۱۶۸
مفهوم‌شناسی، مبانی و منزلت عقل از دیدگاه شهید مطهری	۱۷۰
فصل چهارم: شناخت هست‌ها و نیست‌ها بر طبق آراء هیوم و شهید مطهری ۱۷۳	
بخش اول: شناخت هست‌ها و نیست‌ها از منظر هیوم	
تصورات	۱۷۵
تصدیقات	۱۸۰
جوهر	۱۸۱
علیت	۱۸۵
مفاهیم کلی	۱۸۷
بخش دوم: شناخت هست‌ها و نیست‌ها از منظر شهید مطهری	
تصورات	۱۸۸
تصدیقات	۱۸۹
جوهر	۱۹۲
علیت	۱۹۲
مفاهیم کلی	۱۹۳
منابع	۱۹۵

پیشگفتار

معرفت فلسفی در بین اندیشمندان غربی و اسلامی همواره دارای اهمیت بوده و روزبه‌روز شاخه‌های گوناگون آن کامل‌تر شده و فصل‌های جدیدی با آن اضافه می‌شود. بدیهی است که معرفت صحیح فلسفی در هر کجای عالم و توسط هر دانشمندی ارائه شود در بین فیلسوفان مورد ارج و تحسین قرار خواهد گرفت.

در بین اندیشه‌های فلسفی و مشرب‌های عقلانی، سبک و سیاق دانشمندان اسلامی و نگاه عمیق آنها به مسائل فلسفی و پیدا کردن رمز ارتباط مسائل عقلی با شواهد عرفانی و توحیدی و حل بسیاری از شبهات وارد شده در این حوزه بسیار می‌درخشد.

کتاب حاضر سیر تفکر فلسفی مهم‌ترین فیلسوفان اسلامی و غربی، همراه با سبک فلسفی آنها را بیان نموده و تلاش می‌کند خواننده کتاب را با زیبایی و غنای تفکر فلسفه اسلامی بیشتر آشنا نماید.

دکتر سیدجواد میرمهدی پور کوه‌کمر



فصل اول

کلیات



لغت فلسفه

این لغت ریشه یونانی دارد و مصدر جعلی عربی کلمه «فیلو سوفیا» است. «کلمه فیلو به معنی دوستداری و کلمه سوفیا به معنی دانائی است، افلاطون سقراط را «فیلسوفس» یعنی دوستدار دانائی معرفی می‌کند» سقراط خود را دوستدار دانش می‌نامید برخلاف سوفیستائیان که خود را دانشمند می‌دانستند، اما به تدریج فلسفه به معنای دانشمند ارتقا یافت و سوفیست به معنای مغالطه‌گر تنزل یافت.

مسلمانان لغت فلسفه را به معنی مطلق دانش عقلی (الهیات، ریاضیات، طبیعیات، سیاسیات، اخلاقیات، منزلیات) به کار بردند. از نظر مسلمین «فلسفه بر دو قسم است: نظری و عملی. فلسفه نظری آن است که درباره اشیا آن‌چنان که هستند، بحث می‌کند و فلسفه عملی آن است که درباره افعال انسان آن‌چنان که باید و شایسته است باشد بحث می‌کند. فلسفه نظری بر سه قسم است: الهیات یا فلسفه علیا، ریاضیات یا فلسفه وسطا، طبیعیات یا فلسفه سفلا. فلسفه علیا یا الهیات به‌نوبه خود مشتمل بر دو فن است: امور عامه و دیگر الهیات بالمعنی الاخص. ریاضیات چهار بخش است و هر کدام علم علی‌حده است: حساب هندسه، هیئت، موسیقی، طبیعیات نیز به‌نوبه خود بخش‌ها و اقسام زیادی دارد. فلسفه عملی نیز به‌نوبه خود تقسیم می‌شود به علم اخلاق، علم تدبیر منزل، علم سیاست مدن. علی‌هذا پس فیلسوف کامل یعنی جامع همه علوم نامبرده».^۱

تعریف اصطلاحی فلسفه

فلسفه: «علمی است که از احوال مطلق وجود و احکام و عوارض آن بحث می‌کند و ویژگی‌های آن عبارت‌اند از: اولاً روش اثبات مسائل آن روش تعقلی است برخلاف علوم و علوم نقلی ولی این روش در منطق خداشناسی روان‌شناسی فلسفی و بعضی از علوم دیگر مانند فلسفه اخلاق و حتی در ریاضیات نیز به کار گرفته می‌شود بنابراین نمی‌توان آن را ویژه فلسفه اولی دانست. ثانیاً: فلسفه متکفل اثبات مبادی تصدیقی سایر علوم است و این یکی از وجوه نیاز سایر علوم به فلسفه

^۱. مطهری، مرتضی، منطق - فلسفه، ص ۲۰۳.

^۲. همان

هست و از این روی بنام مادر علوم نامیده می‌شود. ثالثاً: در فلسفه معیار بازشناسی امور حقیقی از امور وهمی و اعتباری به دست می‌آید و از این روی گاهی هدف اصلی فلسفه شناختن امور حقیقی و تمیز آن‌ها از وهمیات و اعتباریات شمرده می‌شود؛ ولی بهتر آن است که آن را هدف شناخت‌شناسی بدانیم. رابعاً: ویژگی مفاهیم فلسفی این است که از راه حس و تجربه به دست نمی‌آید؛ مانند مفاهیم علت و معلول واجب و ممکن مادی و مجرد این مفاهیم اصطلاحاً معقولات ثانیة فلسفی نامیده می‌شوند»^۱

معانی اصطلاحی فلسفه

فلسفه در ابتدا به همه علوم حقیقی اطلاق می‌شد و بعدها قلمرو فلسفه وسعت یافت و علوم قراردادی را هم در بر گرفت، مانند ادبیات و معانی‌ویان و بالاخره دانشمندان غربی در دو قرن اخیر شناخت علمی را در مقابل شناخت فلسفی و متافیزیکی قرار دادند، بنابراین فلسفه را مطلق یافته‌هایی که قابل شناخت با ابزار حسی نباشند، تعریف کردند که به نظر می‌رسد فرق بین علم و فلسفه در تعریف اخیر به لحاظ روش حصول گزاره‌های علمی و فلسفی باشد؛ اما مطابق با تعریف اصطلاحی اول و دوم، علوم تجربی زیرشاخه فلسفه محسوب می‌شود و تقابلی بین فلسفه و علم نیست.

فلسفه علمی

اصطلاح دیگری نیز به نام فلسفه علمی برای فلسفه وجود دارد. این تعریف اصطلاحی گاهی به معنای روش‌شناسی علوم به کار می‌رود و گاهی به معنای قوانین اثباتی است که منحصرأ در رابطه با علوم تجربی، مانند ریاضی و شیمی به کار می‌رود.

فلسفه‌های مضاف

باتوجه به اینکه از تکون و پیدایش فلسفه‌های مضاف چند سالی است که می‌گذرد در تعریف آن و موضوع، ساختار، قلمرو، اهداف و روش فلسفه‌های مضاف، هنوز نظریات زیادی مطرح است.

^۱ . مصباح یزدی محمد تقی، آموزش فلسفه، ص ۳۹۲.

مرحوم علامه مصباح در جلد اول مجموعه آثار در تعریف فلسفه مضاف چنین آورده‌اند: «صورت بسط‌یافته رؤوس ثمانیه علوم»^۱

آقای علی‌اکبر رشاد فلسفه مضاف را «دانش پژوهش عقلانی در احکام کلی و عوارض ذاتی موجود بما هو موجود و اقسام نخستینه آن» تعریف نموده است.

مرحوم علامه مصباح در رابطه با فلسفه‌های مضاف می‌فرماید: «فلسفه‌های مضاف، مبادی علوم را اثبات می‌کنند. اگر این مبادی همان مبادی تصویری و تصدیقی‌اند، آن مبادی تصویری نیز همان موضوع فلسفه‌اند. مفاهیم کلی دیگر نیز که در حین استدلال پیش می‌آیند؛ مانند آنکه خود موضوع این علم وجود دارد یا نه در فلسفه اولی اثبات می‌شوند. حتی اگر از این مفاهیم در علم دیگری بحث شده باشد، در آنجا نیز به اصول موضوعه‌ای نیازمندند که نهایتاً جای اثبات آن‌ها به‌عنوان کلی‌ترین اصول موضوعه در فلسفه است؛ بنابراین، همه فلسفه‌های مضاف، فرع فلسفه اولی هستند؛ زیرا اصول موضوعه علوم را اثبات می‌کنند و این اصول، به‌هرحال، در هر علمی که اثبات شوند، نیازمند فلسفه‌اند و گاه نیز در هیچ علمی اثبات نشده‌اند، در این صورت نیز در فلسفه اثبات می‌شوند. پس فلسفه، مادر همه فلسفه‌های مضاف است و اصول موضوعه‌ای را اثبات می‌کند که همه علوم به آن محتاج‌اند»^۲.

به نظر می‌رسد فلسفه‌های مضاف اگر به‌درستی در فلسفه اسلامی مورد عنایت و تحقیق و تفحص قرار گیرد بسیاری از معضلاتی که علوم غربی در دنیا ایجاد کرده‌اند را برداشته و نقش توحیدی تمدنی علوم را به‌صورت معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه همراه با نگاه تحقیقی و عینی به نظام‌های تمدن اسلامی می‌تواند الگووار در نظام اسلامی مبتنی بر اصل ولایت‌فقیه به تمام جهان ارائه نماید ان‌شاءالله تعالی.

۱. مصباح محمد تقی، ج ۱، ص ۶۸.

۲. رشاد علی اکبر، مجله قسبات، بهار و تابستان ۱۳۸۵ - شماره ۳۹ و ۴۰.

۳. مصباح یزدی محمد تقی و پروفیسور محمد لگن هاوزن، میزگرد.

بی‌شک دقت‌هایی که در فلسفه‌های مضاف اسلامی نسبت به فلسفه علوم اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی - سیاسی، تدبیر منزل، حقوقی - قضایی و سایر مولفه‌های تمدن خواهد شد گره‌های کور بسیاری از قوانین و رویکردهای کلان مدیریتی و غیره را باز خواهد نمود.

ضرورت نیاز به فلسفه

نیازمندی انسان به فلسفه از دو جهت است: یکی از نظر فطری و طبیعت، انسان همیشه می‌خواهد حقایق را از اوهام و امور واقعیت‌دار را از امور بی‌واقعیت تمیز دهد و دیگری همه علوم برای اینکه علم باشند نیاز به فلسفه دارند، زیرا هر یک از علوم اعم از طبیعی یا غیرطبیعی اگر بخواند در رابطه با چیزی بحث کند اول باید وجود و حقیقت آن چیز اثبات شود و بعد در مورد آن بحث شود و اثبات موجودیت برای چیزی فقط بر عهده فلسفه است و علوم دیگر قادر به اثبات آن نیستند.

کمک‌های فلسفه به علم

علوم تجربی و حسی در بعضی از بنیادی‌ترین موضوعات و مسائل نیاز به فلسفه دارند که مهم‌ترین آنها اثبات موضوع علم و اثبات اصول موضوعه است.

در خصوص اثبات موضوع علم به نظر می‌رسد از آنجایی که محور مسائل هر علمی را موضوع جامع بین موضوعات مسائل آن علم تشکیل می‌دهد که اگر وجود این موضوع بدیهی نباشد نیازمند به اثبات خواهد بود و اثبات این موضوع باید خارج از قلمرو مسائل همان علم باشد در نتیجه باید در فلسفه اولی با براهین عقلی اثبات شود.

و در رابطه با اثبات اصول موضوعه هم باید گفته شود که اصول کلی مورد نیاز همه علوم حقیقی مانند اصل علیت در فلسفه اثبات می‌شود. دانشجویان گرامی می‌توانند در این خصوص برای مطالعه بیشتر به کتاب «آموزش فلسفه»^۱ مرحوم علامه مصباح مراجعه نمایند.

^۱ . مصباح یزدی محمد تقی، آموزش فلسفه، ص ۳۹۲.

کمک‌های علوم به فلسفه

فلسفه هم گاهی از علم تجربی کمک می‌گیرد و علوم تجربی در حل بعضی از مسائل فلسفی راهگشا هستند. از این موارد می‌توان به: نیاز به مقدمه تجربی برای بعضی از مسائل فلسفی، یافتن زمینه‌های جدیدی برای تحلیل‌های فلسفی.

مرحوم علامه مصباح در این زمینه می‌فرماید: «فلسفه نیز از این قاعده مستثنی نیست و مسائل اولیه آن محدود است و با نمایان شدن افق‌های وسیع‌تری گسترش یافته و می‌یابد، موضوعات و مسائل علوم تجربی، موضوعات جدیدی را برای تحلیل‌های فلسفی و تطبیق اصول کلی فراهم می‌آورند. مثلاً در عصر جدید هنگامی که نظریه تبدیل ماده به انرژی و تشکیل یافتن ذرات ماده از انرژی متراکم مطرح شد چنین مسئله‌ای برای فیلسوف طرح گردید که آیا ممکن است در عالم ماده چیزی تحقق یابد که فاقد صفات اساسی ماده باشد و مثلاً حجم نداشته باشد و آیا ممکن است شیء حجم‌داری به شیء بی‌حجمی تبدیل شود در صورتی که پاسخ این سؤال‌ها منفی باشد نتیجه این خواهد بود که انرژی فاقد حجم نیست هرچند با تجربه حسی قابل اثبات نباشد».^۱

^۱ . همان ص ۳۹۲.



فصل دوم

معرفت فلسفی در غرب



